

# در باب اختراع معتاد "متجاهر"

فریبرز رئیس دانا

• امروز، به عنوان یک وظیفه‌ی انقلابی، و نه یک وظیفه‌ی عاطفی و زودگذر اصلاحاتی ساده، به جنگ مبارزه با مواد مخدر برویم، همان قدر که به جنگ استبداد، سیاست‌های ستمگرانه، مداخله‌های امپریالیستی می‌رویم. در متن مبارزه برای آزادی و عدالت، چند حوزه‌ی اصلی مبارزات اجتماعی و دموکراتیک همیشه مطرحند. یکی از آنها مبارزه با اساسی‌ترین جنبه‌های آسیب اجتماعی و از کار انداختن ساز و کار سلامت جامعه و شادمانی است، برای پدیدار ساختن مقاومت و هستی بخشی در برابر ستم‌گری‌ها ...

اخبار روز: [www.akhbar-rooz.com](http://www.akhbar-rooz.com)

آدینه ۳ اسفند ۱۳۹۷ - ۲۲ فوریه ۲۰۱۹



متجاهر یعنی کسی که کار خود را به عمد آشکار می‌سازد و به آن تظاهر می‌کند (با استفاده از فرهنگ معین). متجاهر به فسق نمونه‌ای از متجاهر است که خلاف کاری و کار غیرشرعی خود را در معرض دید عمومی می‌گذارد. معتاد متجاهر نیز یعنی معتادی که عمل اعتیاد (مصرف مواد مخدر یا الکل) را به عمد در معرض دید عموم می‌گذارد. تا آنجا که به "معتاد متجاهر" مربوط است

نخستین بار این واژه از سوی علی لاریجانی، رئیس وقت و فعلی مجلس شورای اسلامی، مطرح شد، به رسانه ها راه یافت و از سوی کارشناسان یا مسئولان دولتی تکرار شد. علی لاریجانی پس از بازدیدی که به اتفاق شماری از مسئولان عالی رتبه ی کشور از محل گورستانی که به محل "گور خوابی" یا "گورخوابان" تبدیل شده بود به عمل آورد اعلام کرد که این معتادان در گور سکنا کرده معتادان متجاهرند. پیش از آن یکی از رسانه ها پرده از اتفاق هولناکی که مدتها در شهر تهران جریان داشت برداشته بود.

آن اتفاق خوابیدن معتادان، کارتن خواب ها، آواره ها، فلاکت زده ها (به احتمال قوی همه معتاد و همه درمادون سطح زندگی و همه در منتهای بی پناهی) در داخل گورهای حفر شده و آماده در گورستان تهران بود. این گروه برای پناه بردن از دست سرما و بی مکانی و مراجعه ی مأموران یا اهالی محل برای راندن آنان از گوشه و کنارهایی که در آن در داخل کارتن یا گونی یا هر چیز دیگر شب را به سر می بردند تا صبح به تکی و زباله گردی و این در و آن در زدن هر روزی پردازند، به آخرین سنگر، یعنی گورهای حفر شده پناه برده بودند. این پرده نه فقط یک درام تکان دهنده ی اجتماعی بلکه هم چنین نشان دهنده عمق ناکامی و رنج و بدبختی اجتماعی بود، ناشی از سیاست های اقتصادی و فرمان روایی هایی که موج موج بر قربانیان فقر و تبعیض می افزود و می افزایش داد.

آن زمان (سه سال پیش) مسئولان و رئیس جمهور به عوض ابراز شرم، پوزش و اعلام عزم جدی برای دست برداشتن از جنبه های مختلف سیاست های اقتصادی نولیبرالی - محافظه کارانه و مبتنی بر منافع ویژه اقتصادی و در لفاق آرمان سنتی ایدئولوژیک، به نوعی اقدام به مقصر جلوه دادن و بی ارزش کردن قربانیان آن سیاست ها کردند. چند سال پیش از آن بحثی درباره ی افزایش آشکار تکی گری در تهران در گرفت و کارشناسان مستقل و شماری از رسانه ها سیاست های "گدابیگری" را مورد نقد قرار دادند و به علل واقعی تر افزایش فقر منجر به تکی گری گسترده پرداختند. اما شهردار وقت و کارشناسان وابسته و مجیز گویش از در دیگر در آمدند و شروع به سرکوب تبلیغاتی و سیاسی قربانیان سیاست های سرمایه داری بسیار تبعیض آمیز جاری کشور کردند. اظهارنظر آن مسئولان بر آن بود که این گدایان خیابانی همه دروغ می گویند و نیرنگ می کنند و نشانه ها و مواردی را ساختند و پرداختند که گدایانی دستگیر شده اند که صاحب چند خانه بوده، پول های فراوان اندوخته و حتی در زیر کلاهشان دسته دسته اسکناس درشت جای داده اند. به یاد می آورم که مصاحبه ای از سوی هژیر پلاسچی در این مورد با من انجام شد و در روزنامه ای چاپ شد و عنوان آن

قطعه ای از شعر شاملو بود: "دریغا که فقر احتضار فضیلت بود". نمی دانم حمله ای که شبانه در خیابان به من شد (بهمن ۱۳۷۸) و منجر به شکسته شدن دندان، بیهوشی و افتادنم چون نعش در کف خیابان شد و بالاخره با یاری دوستانم، سیامک طاهری، سهیل آصفی و نیوشا نوری به نجاتم انجامید ربطی به آن مصاحبه داشت یا نه. من در پاسخ خبرنگاران فقط گفتم نمی دانم چه کسی این بلا را بر سرم آورد. اما همیشه به یاد دارم که در مصاحبه گفتم این گدایان در خیابان از رده ی آن بالانشینانها و مدیران نیستند و خانه ها و ثروت ها تلنبار نکرده اند بلکه قربانیان مستقیم سیاست های خانمها و آقایان بالایی از جمله شهردارینند.

به هر روی اصطلاح معتادان متجاهر، بعداً تبدیل شد به دست آویز مسئولانی که روی از نتایج سیاست های اقتصادی طبقاتی خود بر می گیرند و مدام بر سر قربانیان می کوبند؛ متکدیان، معتادان آواره، گورخوابان، کارتن خواب ها از یک سو و معترضان به نبود آزادی و حق تشکل و اعتراض سیاست های ضدکارگری و فقرزا از دیگر سو و ده ها شیوه ی مشابه دیگر.

بحث من در این مقاله این است که زخم واقعیت های مربوط به اعتیاد عمیق تر از آنند که مسئولان بتوانند پشت واژه های معتاد متجاهر از بدبختی های گسترده در جامعه، که ناشی از سیاست ها و سلطه ی طبقاتی و سیاسی و فرهنگی به شمار می آیند، بگریزد. در این مقاله گوشه هایی از وضع مصرف و اعتیاد را در جامعه ایران باز می کنم و در آن آمارها و واقعیت های مورد اعتماد خود را با برآوردهایی با تقریب ۹۰ درصد در اختیار می گذارم. در پایان بررسی کمی و کیفی به نتیجه گیری درباره ی علل و راه حل ها خواهم پرداخت.

\* \* \*

در سال ۱۳۸۵ در پی یک رشته پژوهش های دانشگاهی و کاربردی و برای سازمان ملل متحد به این نتیجه رسیده بودم که شمار معتادان افیونی (تریاک، دو نوع شیر، هروئین و مرفین) در ایران بین ۲.۳۷۵ و ۲.۶۵ میلیون نفر است. آن زمان به درستی به نظر من می رسید که تفاوت بین این دو رقم، یعنی ۲۷۵ هزار نفر که در فاصله ی ۶ تا ۹ ماه در دو پژوهش پدید آمده است عجیب و قابل تأمل است. هم چنین شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی را نیز، که به احتمال ۳۵ تا ۶۵ درصد در فاصله ی ۱ سال آینده به معتادان اصلی تبدیل می شدند ۱.۲ تا ۱.۴ میلیون نفر برآورد کردم. این تفاوت نیز، که در همان فاصله ی زمانی ایجاد شده بود، برای من عجیب می نمود. بررسی های من به طور کلی در حوزه ی اقتصاد مواد مخدر بودند که شامل تولید در

افغانستان، ترانزیت به ایران، تقاضا در ایران، قیمت و مصرف و جز آن می شد. نتیجه بررسی □های من در همایش اقتصاد جهانی هروئین در لندن ارائه شد و طرف توجه زیاد قرار گرفت. مقاله ای نیز در نشریه ی دانشگاهی *Annals of the American Academy* به چاپ رسید. در نشریه ی فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی نیز این مقاله منتشر شد و محققان و صاحب نظران زیادی نیز از آن ها استقبال کردند و منبع پژوهش های خود قرار دادند. اما دریغا که حتی یک کلمه از آن مورد عنایت مسئولان مبارزه با مواد مخدر قرار گیرد، آن هم در جامعه ای که یکی از چهار یا پنج جامعه ی شدیداً آفت زده ی مواد مخدر در جهان است. حتی شنیدم - در مواردی خودم متوجه شدم - که گفته شده بود حول حرف های این مرد و همکارانش نگردید و از نتایج کار آن ها استفاده نکنید. منصف باشیم: نقدهای خوبی هم به کار من وارد شد که به اصلاح آن پرداختم. یک نقد و تذکر درباره ی یک اشتباه محاسباتی من هم از سوی جوانی از میان همان مسئولان و مأموران رده ی پائین تر وارد آمد که با تلفن با من حرف زد و به اصلاح کار من کمک اساسی کرد. به هر روی رسیدیم به اینجا که وضع، به رغم ادعاها و آمارها و نظرهای "عامدانه مثبت" جامعه ی ما از آن آفت گزندهای بسیار شدیدی دیده و بخش قابل توجهی از جوانانمان از پا درآمده اند. وضع چنان شد که ناامیدی ها از درمان آسیب اعتیاد شایع تر از خود اعتیاد شد. حتی در جامعه باوری شکل گرفته است، که به نظر من مبنای درستی ندارد، و آن این که عمداً و با برنامه مواد را در جامعه رایج کرده اند تا جوانان زمین گیر شوند و دست از هر نوع اعتراض بشویند. قبول ندارم و به بهانه جویی ها برای فرار از مسئولیت □های اجتماعی نیز، که حاصل آن همین نکبت ها و محرومیت هاست، واقفم. بگذریم.

امروز فرض می گیریم که در میانه ی سال ۱۳۸۵ شمار معتادان مواد افیونی ۲.۵ میلیون نفر و شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی نیز ۱.۳ میلیون نفر بوده است. در آن زمان شمار معتادان به مواد صنعتی و قرص ها (به جز کراک که حاوی هروئین است) در حدود ۱۰۰ هزار نفر اصلی و ۱۰۰ هزار نفر تفنی و تصادفی بودند. شمار مصرف کنندگان اصلی و تفنی حشیش، گرس (ماری جوانا که در واقع همان گراس است) به ترتیب ۱۰۰ هزار و ۲۵۰ هزار نفر بودند. اما من تقریباً ۱۵ اظهارنظر رسمی درباره ی شمار معتادان از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ در اختیار دارم که ارقام متفاوتی را در مورد شمار انواع معتادان به دست می دهند. اما همه ی آنها بسیار کمتر از برآورد منند. نظر کارشناسان و فرمانده نیروی انتظامی تقریباً همیشه ۱.۵ میلیون نفر معتاد اصلی و تقریباً ۰.۷ میلیون نفر غیراصلی بوده است. مرغ یک پا

دارد، حتی تا سال ۱۳۹۷ و گویا نه کسی از میان معتادان چشم از جهان فرو بسته یا ترک اعتیاد کرده و نه کسی به جمع معتادان دائمی و غیردائمی افزوده شده است، یا این که حتماً این کم و زیاد شدن □ها با هم برابر بوده اند.

روزنامه شرق شمار معتادان منظم را ۲.۵ میلیون و شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی را ۱.۵ میلیون نفر گزارش کرد (۴ اردیبهشت ۱۳۸۴). اما معاون اداره مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۶ شمار معتادان اصلی را ۱.۳ میلیون و تفنی ها را ۰.۷ میلیون نفر اعلام کرد. هاشمی، رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۳ شمار معتادان را ۱.۵ میلیون نفر اعلام کرد. دکتر جهانی، جانشین دبیر کل همین ستاد، در ۲۸ مهر ما ۱۳۸۶ (روزنامه سلامت) شمار معتادان ایران ۲ میلیون و معتادان آمریکا را ۲۰ میلیون اعلام کرد (در آن زمان جمعیت آمریکا در حدود ۵ برابر جمعیت ایران و شمار معتادانشان ۱۰ برابر ایران بود و این شده بود یک افتخار!) مسعود امینی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس (۳۰ آذر ۱۳۸۳ روزنامه توسعه) شمار معتادان را ۲ میلیون نفر ذکر کرد. فرمانده نیروی انتظامی در ۱۳۸۶ گفت شمار معتادان پس از انقلاب زیاد نشده است! و شمار معتادان دائم ۲.۱ میلیون و تفنی ها ۰.۷ میلیون نفر است.

و اما برای برآورد شمار معتادان افیونی، مواد مخدر مصنوعی و نارکوتیک (حشیش و ماری جوانا و مشابه) به واقعیت های زیر توجه کنیم:

۱- متأسفانه نرخ مرگ و میر در میان معتادان بسیار بالاتر از حد متوسط در جامعه است. مرگ و میر ناشی از اضافه مصرف (Overdose) در ۲۰ سال پیش، وقتی مواد مخدر صنعتی این چنین فراگیر نشده بود و مشتقات فوق قوی هروئین (که ۱۰۰ برابر قوی تر از هروئین اند و باید با مواد افزودنی ترکیب و مصرف شوند و کوچک ترین خطا در ۵ سانت یا ۰.۰۵ گرم از این مواد کشنده می شود) توسط دانشمندان آمریکایی به بشریت عرضه نشده بود، سالانه ۲۲۰۰ نفر گزارش می شد. از آنجا که معتادان بی نام و نشان، که مرگشان مانند مرگ فقیران سر و صدا ندارد، در آمار بالا مستتر نیست، گفته می شد که رقم در حدود ۵۰۰۰ نفر است. امروز با توجه به مواد جدید و ناخالص های کشنده در انواع مواد، برآورد می شود که مرگ و میر ناشی از آن به حدود سالانه ۷۵۰۰ نفر می رسد (ارقام بین ۴۰۰۰ تا ۹۰۰۰ نیز گزارش شده است). فرمانده نیروی انتظامی در سال ۱۳۸۶ گفته بود که روزانه ۱۱ معتاد در ایران جان می دهند. این شمار مرگ و میر باید از شمار معتادان بکاهد. اما متأسفانه شمار معتادان نو رسیده (و مثلاً

رسیدن سن متوسط شروع به ۱۳ تا ۱۵ سال) بیشتر از آن است که این کاهش اتفاق بیفتد.

۲- الگو و مواد مورد مصرف تغییر جدی ای را در ۱۵-۲۰ سال اخیر، به ویژه در ۱۰ سال اخیر، به خود دیده است. تقریباً از سال ۱۳۸۵ به بعد، معتادان تازه کار به مواد مخدر صنعتی مانند کراک (که البته حاوی مقدار زیادی هروئین است به اضافه ی روان گردان ها و ناخالصی های سمی و به هر حال در میان مواد افیونی و همراه با هروئین جای می گیرد)، شیشه، آمفتامین ها، اکستازی یا متامفتامین (شبه آمفتامین ها)، انواع روان گردان ها مانند باربیتال ها و مسکن ها مانند ترامادول، مسکن های متادون و بوپرونورفین که خودشان برای ترک اعتیاد ساخته شده بودند، دستمال (یک ماده ی مخدر دیگر جدید) و جز آن روی آورده اند. مصرف مواد خانواده ی حشیش (مانند گرس و گل که همان نر برگ و سر برگ گرس است و خود حشیش) زیاد شده است و با آن که اعتیادآوری این مواد زیاد نیست، اما پزشکان متخصص ترک اعتیاد، که من با آنها ارتباط دارم، از افزایش جدی معتادان حشیش و گرس و گل حکایت می کنند.

مصرف همه ی این مواد، بخصوص روانگردانها و مواد صنعتی در میان معتادان زیر ۳۵ سال بالا است. در سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ به طور متوسط از شمار معتادان دائمی (اصلی) مواد صنعتی و روانگردان ها در حدود ۴۰۰ هزار نفر سخن به میان می آید. از شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی آمار و اطلاع زیادی در دست نیست اما بر پایه ی تخمین های نسبی پیشین و با توجه به رواج این باور نادرست، که مواد مخدر صنعتی اعتیادآور نیستند، می توان پذیرفت که نسبت مصرف کنندگان تفنی و تصادفی نسبت به معتادان در این مورد رقمی بالا و قدر مطلق آن حدود ۷۰۰ هزار نفر است. چیزی در حدود ۴۰ درصد اینان را مصرف کنندگانی که در ۱ تا ۲ سال آینده به معتادان دائمی تبدیل می شوند به حساب می آورند.

۳- گرچه هنوز روند تغییر در نوع و الگوی مصرف در سطح کل جامعه از حیث کمی و زمان بندی روشن نیست اما می توان چنین نظر داد:  
\* مصرف مواد مخدر صنعتی نسبتاً سریع جایگزین مواد افیونی شده است.

\* مصرف نارکوتیک ها روند صعودی با نرخ نسبتاً ثابتی دارد.  
\* از سال ۱۳۸۵ تا کنون (۱۳۹۷) به تدریج شروع مصرف از مواد مخدر صنعتی و روانگردان ها (به جای مواد افیونی) زیادتر شده است.  
\* انتقال از مصرف دائمی و تفنی حشیش و ماری جوانا و گل و گراس به مصارف صنعتی مانند شیشه جویان دارد اما هنوز بسیار جدی و شتابان نیست.

\* مصرف چنگانه مثلاً تریاک و هروئین همراه با مواد صنعتی و جز آن رواج یافته زیاده‌تر می‌شود. معتادان بسیار وابسته و خطرناک دچار مصرف چنگانه اند (هر چه به دستشان برسد).

\* روند مصرف مواد افیونی به ویژه تریاک هنوز صعودی است، گرچه شیب آن کاهش یافته است. به این ترتیب به دلیل جایگزین شدن مواد مخدر صنعتی (و کراک) مقدار مصرف سالیانه مواد مخدر افیونی کاهش یافته تا ثابت مانده اما شمار مصرف‌کنندگان افزایش یافته است.

\* مصرف شیشه و کراک شدت خطرناکی یافته است. یکی از گزارش‌های نیمه رسمی توزیع نسبی مصرف‌کنندگان (غیر نارکوטיکی) تهران را این چنین می‌داند: کراک و هروئین ۴۵٪، تریاک و شیره ۲۵٪، شیشه ۱۵٪ سایر ۱۵٪.

\* مصرف دودی تریاک و شیره جای خود را به مصرف خوراکی می‌دهند زیرا مصرف دودی به خاطر بوی آن خطر لو رفتن دارد. مصرف خوراکی نیاز کم تری (در حدود یک پنجم) نسبت به مصرف دودی دارد. به این ترتیب با آن که شمار معتادان این مواد زیاد می‌شود مقدار کل مصرف شاید چندان افزایش نمی‌یابد.

\* مصرف تزریقی هروئین کماکان به جای مصرف دودی و استنشاقی (از راه دماغ) رواج می‌یابد زیرا نیاز مصرفی کمتری و نئشگی بیشتر برای فرد معتاد دارد. این روش تزریقی برای هروئین و کراک خطر ابتلا به ایدز را بالا برده است.

\* به طور قاطع می‌توان گفت فقر و بیکاری و تبعیض و احساس بیچارگی اصلی‌ترین عامل شیوع (با ضریب همبستگی ۸۰٪، براساس برآوردهای من) است. همین عوامل معتادان و مصرف‌کنندگان تازه کار را به سمت مصرف ارزان به ویژه روان‌گردان‌ها و شیشه (چه بسا مهلک) می‌کشاند. در مقابل مصرف تریاک مرغوب و ناب سفارشی برای اغنیا و رده بالاها در اختیار است. گاه قیمت تریاک بسیار مرغوب نسبت به تریاک نامرغوب ۵ برابر است.

\* هاشمی رئیس کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت (و رئیس اسبق ستاد مبارزه با مواد مخدر) گفت که براساس مطالعه شیوع شناسی کل معتادان اصلی و تفننی در سال ۱۳۹۰ معادل ۴ میلیون (۳۰۰ هزار مواد مخدر صنعتی) است و روزی ۱۰۰ نفر به مواد آلوده می‌شوند.

با توجه به نکات بالا و با توجه به آمار زندانیان، فوتی‌ها، دانشجویان معتاد (که به جز تفننی‌ها در مجموع در حدود ۳ تا ۴ درصد برآورد می‌شود) و با توجه به آمار کشفیات و آمار مراجعه‌کنندگان به انواع مراکز درمانی من توانسته‌ام آمار معتادان و

مصرف کنندگان را برای سال ۱۳۹۷ برآورد کنم. مدیر کل دفتر تحقیقات ستاد مبارزه با مواد مخدر برای سال ۱۳۹۴ کل معتادان اصلی کشور را ۲.۸ میلیون ذکر می کند. اما برآورد من برای پایان سال ۱۳۹۷ به شرح زیر است. (با حدود ۹۰٪ تقریب)

\* شمار معتادان اصلی (دائمی مواد افیونی و کراک = ۲.۹ میلیون نفر (۲۰ درصد هروئین و کراک)

\* شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی مواد افیونی و کراک = ۱.۵ میلیون نفر

\* شمار معتادان اصلی مواد مخدر صنعتی و روانگردان ها = ۰.۴ میلیون نفر

\* شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی مواد مصنوعی = ۰.۷ میلیون نفر

\* شمار معتادان به حشیش و ماری جوانا و گل = ۰.۳۵ میلیون نفر

\* شمار مصرف کنندگان تفنی و تصادفی حشیش و... = ۰.۵ میلیون نفر

\* جمع معتادان اصلی کشور به جز الکل = ۳.۴۳ میلیون نفر

\* شمار مصرف کنندگان تفنی به جز الکل = ۲.۷ میلیون نفر

نگاه دیگری نیز به آمار و ارقام مربوط به بحث داشته باشیم.

\* نیمی از معتادان هروئین و کراک از نوع تزریقی اند.

\* همان آقای دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۱، هاشمی،

که به گمان من در میان مسئولان از همه مطلع تر و صاحب نظرتر است،

گر چه در کم کردن آمارها هنوز جانب مصلحت و احتیاط را نگه می

دارد، برخلاف موارد دیگر پیش بینی کرده بود که شمار معتادان تا

سال ۱۴۰۰ به ۱۰ میلیون نفر می رسد. بنا به برآورد من، با توجه به

احتمال معتاد شدن مصرف کنندگان تفنی و تصادفی، این رقم اغراق

آمیز است اما می توان نگران رقم ۵ میلیون بود و این یعنی بیش از

۵ درصد کل جمعیت در آن سال. این نسبت وحشتناک است.

\* ترانزیت مواد از ایران که در حدود ۱۵ سال پیش ۶۵ درصد بود

اکنون به حدود ۳۵ تا ۴۵ درصد رسیده است.

\* ۹۰ درصد تریاک جهان و در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد هروئین جهان در

افغانستان تولید می شود. در تمام مدت اشغال و حضور ارتش آمریکا و

متحدان در افغانستان سیاست دگرگونی کشت اجرا نشد زیرا به نظر من

مسئولان اجتماعی و پلیسی آمریکا می دانند که جامعه ی آنها برای

تعادل نظام بورژوازی به مقداری مواد مخدر افیونی نیاز دارد.

\* تولید تریاک در افغانستان در ۱۹۸۴ در حدود ۲۸۰ تن بود. در

اواخر قرن بیستم تولید تریاک در این کشور ۲۰۰۰ تا ۲۷۰۰ تن تخمین

زده می شد. برآوردها بیشتر حول رقم ۲۵۰۰ تن بود. در سال ۲۰۰۴



تولید به ۵۰۰۰ تن و در سال ۲۰۰۸ بنا به نظر دفتر مقابله با مواد مخدر و جرائم (UNDCP) تولید در افغانستان به ۷۷۰۰ تن، یعنی دو برابر تقاضای بازار، رسید. بنا به بنظر نیروی انتظامی ایران این مقدار در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به ترتیب ۶۱۰۰ و ۸۲۰۰ تن بود. اثر این تولید پر شدن انبارهای مخفی در افغانستان، پاکستان، ایران، ترکیه و حتی اروپا است. اما اثر مهم تر کاهش قیمت و تمایل بیشتر و عملی جوانان در معرض آسیب به سمت مواد است. این کاهش قیمت موجب کاهش تقاضا برای سایر مواد می شود که آن نیز موجب کاهش قیمت آن مواد است. در همان سال ۲۰۰۸ متوسط قیمت مواد افیونی در ایران ۶۰ درصد کاهش یافت.

\* نسبت زنان معتاد که در سال ۱۳۸۵ در حدود ۴ تا ۵ درصد برآورد می شد در سال ۱۳۹۰ به ۱۲ درصد و اکنون به ۱۵ درصد رسیده است. اگر در سال ۲۰۰۴ یک گرم هروئین خالص در افغانستان ۱ دلار ارزش داشت این ارزش در اروپا به ۱۰۰ دلار می رسید. در ۲۰۱۸ یک گرم هروئین خالص در افغانستان چیزی در حدود ۴.۵ دلار و در اروپا بیش از ۵۰۰ دلار ارزش دارد. با ممزوج کردن هروئین خالص با ناخالصی ها در هر رده ی خرید و فروش درجه ی خلوص کمتر می شود و فروش بسته های کوچک به مصرف کنندگان نهایی جریان می یابد.

\* در ۲۰۰۴ گفته می شد که اقتصاد مواد مخدر جهان ۵۰۰ میلیارد دلار سود خالص دارد. این رقم در ۲۰۱۸ باید به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده باشد.

\* فقط ۵ درصد از سود خالص تریاک و هروئین افغانستان نصیب زارعان افغانستانی می شود.

\* بهای عمده فروشی هروئین در ایران در اوایل سال ۱۳۹۷ هر کیلو ۱۲ میلیون تومان و خرده فروشی هر گرم ۱۷ هزار تومان است. بهای عمده فروشی شیشه در همین زمان هر کیلو ۳۴ میلیون و هر گرم ۴۷ هزار تومان بود. بهای عمده و خرده فروشی تریاک به ترتیب ۲.۳ میلیون هر کیلو و ۴۰۰۰ تومان هر گرم بود. بهای عمده فروشی گل (سبرگ های مارجوانای کشت شده در ایران) ۴.۵ میلیون تومان و هر گرم ۸۰۰۰ تومان بود. با گرانی های نیمه دوم سال ۱۳۹۷، قیمت های یاد شده حسب مورد از ۳۰ تا ۵۰ درصد بالاتر رفته اند. درجه ی خلوص و مرغوبیت عامل اصلی تفاوت قیمت هاست به طوری که مثلاً در مورد تریاک، قیمت نوع مرغوب تا ۵ برابر بیشتر از نوع عادی (کمی پائین تر از متوسط) است. گران شدن مواد مخدر این بدبختی را دارد که معتادان جدی به سمت انواع خلاق روی می آروند و معتادان تفننی و تازه کار را البته تا حدی منصرف می کند ولی نه به طور کامل. ارزان شدن مواد هم این بدبختی را دارد که مردم جامعه ی ناسالم به

سمت مواد هجوم می‌برند.

\* در سال ۱۳۸۴ در حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد مواد مخدر صنعتی از خارج وارد می‌شد. ایران در این رشته رو به خودکفایی می‌رود زیرا در سال ۱۳۹۰ این رقم به ۳۵ درصد و در سال ۱۳۹۷ به ۱۵ درصد یا کمتر رسیده است و می‌رود که ایران صادر کننده هم باشد. بهای شیشه از ۱۷۰ میلیون هر کیلو به ۱۵ میلیون در ۸۸ رسید و البته بعداً دوباره بالا رفت. شمار "آشپزخانه"ها (محل های تولید شیشه) که در گوشه و کنار شهرها و بیرون شهرها کشف می‌شوند بنا به هر گزارش رسیده بیشتر و بیشتر می‌شود.

\* در افغانستان درآمد تولید مواد مخدر ۲۰ برابر درآمد سایر محصولات است و شکل‌هایی از نظام اربابی هنوز سایه اش بر سر کشت تریاک است گرچه بخش اعظم کشتکاران از خرده زارعان کم زمین اند. \* بر اساس گزارش های UNDCP در جهان امروز باید در حدود ۲۸۰ میلیون معتاد مواد مخدر وجود داشته باشد که بیش از ۱۷۰ میلیون ترکیبات حشیش و مارجوانا مربوط می‌شود. مصرف کنندگان تریاک و شیر ۲۰ میلیون و کوکائین ۱۵ میلیون است. چیزی در حدود تا ۵۵ میلیون از انواع روانگردها استفاده می‌کنند. بنا به برآورد مصرف کنندگان هروئین و مرفین به حدود ۲۰ میلیون می‌رسد.

\* میانگین جهانی کشفیات مواد مخدر در کشورهای جهان حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کل مواد وارداتی و تولیدی است. رقم کشفیات مبنای آماری ما برای تعیین میزان تقریبی مصرف است (که با استفاده از آمار مراجعان درمانی در مورد میزان مصرف روزانه پی به شمار معتادان می‌بریم). رقم کشفیات براساس اظهارنظر نیروی انتظامی به ۳۰ تا ۳۵ درصد رسیده است. به گمان من اما این میزان به طور متوسط نمی‌تواند بیشتر از ۲۰ درصد در سال باشد.

بی تردید مصرف مواد مخدر در ایران گسترش می‌یابد و جان سختی می‌کند. رنج و درد فردی و خانوادگی و اجتماعی ناشی از این گسترش مصرف و افزایش شمار معتادان دامن جامعه را گرفته و رها نمی‌کند. از کارافتادگی زودرس، فقر، محرومیت، آوارگی، خیابان‌خوایی، رنج و فروپاشی خانواده، فحشا، جرم و جنایت از آثار بلافصل و قطعی افزایش مصرف مواد مخدر است. در ایران آثار مواد مخدر بیشتر به صورت رنج روزانه و مرگ و آوارگی فردی و آزار طاقت فرسای خانوادگی ظاهر شده است. مواد مخدر جوانان را در معرض تهدید قرار داده است و جامعه را به یأس و وحشت و بیشتر کشانده است. جوانان حرمان کشیده. یأس زده با مصرف مواد ابتدا خیال می‌کنند که شیر شده اند اما پس از اعتیاد دیگر جز موش‌های تپاخورده ای نیستند.

در ایران برای مقابله سیاست های بسیار متنوعی در پیش گرفته شده است اما همه ی آنها ناکام مانده جای خود را به سیاست های دیگر داده اند. کشتن و قلع و قمع گروهی و گسترده ی معتادان و خرده فروشان و قاچاقچیان در اوایل دهه ی شصت توسط خلخالی و به دستور مدیران عالی رتبه، جرم انگاری شدید و اجرای مجازات اعدام که تاکنون ادامه دارد، ایجاد انواع مراکز درمانی و سپس جمع شده آن و واگذار شدنش مانند هر چیز دیگر به "بخش خصوصی عزیز" تفکیک بین مصرف کننده، خرده فروش، عمده فروش و تغییر مجازاتها، جمع آوری معتادان به ظاهر شناخته شده (سردار ایوبی، اردیبهشت ۱۳۸۳ به قول روزنامه ی توسعه گفت بیش از ۳۰۰۰ معتاد تابلو را از شهر تهران جمع کرده ایم) و کسانی حتی با ظاهر مشکوک (که مأموران نیز بارها به اشتباه خود پی بردند) و اجرای روش های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی در میان این سیاست ها قرار دارند. اما هرگز روش های اساسی مانند خشکاندن علت گرایش و تقاضا برای مواد مخدر و همکاری گسترده مردمی اجرا نشد. انتظار می رفت و می رود که قوه ی قضائیه به تغییر اساسی سیاست ها بپردازد و موضوع تقاضا برای مواد را به کارشناسان، جامعه شناسان، روانشناسان و روانپزشکان و اقتصاددانان واگذار کند و از نیروی انتظامی بخواهد که صرفاً به موضوع عرضه ی مواد، آنهم در مقیاس بزرگ و نه خرده فروشی - معتادی بپردازد. اما دری نجف آبادی که پس از قتل های موسوم به زنجیره ای در سال ۱۳۷۷ از وزارت اطلاعات به قوه ی قضائیه منتقل و دادستان کل کشور شد در سال ۱۳۸۵ در نشست شوراهای هماهنگی مبارزه با مواد گفت: برای ریشه کنی مواد مخدر به امامان متوسل شدیم. او ضمن تأکید بر مجازات قطع دست خواست که آسیب دیدگان و مدیران مربوط به مواد گوسفند نذر کنند (روزنامه اعتماد ملی ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۵).

حال امروز بحث تحقیر و مقصر جلوه دادن معتادان و سنگر گرفتن پشت اصطلاح معتادان متجاهر مطرح شده است گر چه این همان ادامه ی بحث جمع آوری معتادان تابلو است به شکل تازه تر و سخن پردازانه تر. خطر فقط هم اکنون نیست. خطر جدی تر است و این حتی در سر راه تحول اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی و پس از آن نیز مطرح است. دردهای اجتماعی ای وجود دارند که سالها پس از تحول سیاسی لازم نیز در جامعه باقی می مانند و حکومت های مردمی و واقعاً خیر اندیش را نیز با ناکارآمدی و شکست رو به رو می سازند. امروز، به عنوان یک وظیفه ی انقلابی، و نه یک وظیفه ی عاطفی و زودگذر اصلاحاتی ساده، به جنگ مبارزه با مواد مخدر برویم، همان قدر که به جنگ استبداد، سیاست های ستمگرانه، مداخله های امپریالیستی می رویم. در متن مبارزه برای آزادی و عدالت، چند حوزه ی اصلی مبارزات اجتماعی و

دموکراتیک همیشه مطرحند. یکی از آنها مبارزه با اساسی ترین جنبه های آسیب اجتماعی و از کارانداختن ساز و کار سلامت جامعه و شادمانی است، برای پدیدار ساختن مقاومت و هستی بخشی در برابر ستمگری ها .